

وقفیه نواب شیرازی (۱۱۸۷-۱۲۶۳ق)

برای هزینه چاپ و نشر

به کوشش امید رضایی

(سازمان اوقاف و امور خیریه)

حاج علی اکبر مدرس معروف به حاج اکبر نواب (۱۱۸۷-۱۲۶۳ق)، متخلص به «بسمل» و «صدر»، یکی از پرکارترین نویسندگان و شاعران محقق ایران در دوره قاجار بود. برخی از اجدادش از عراق عجم و برخی از خراسان بودند. در عهد صفویه در اصفهان ساکن بودند اما به سبب فتنه افغان به شیراز مهاجرت کردند. در این شهر بود که پدرش متولد شد. حاج اکبر نواب نیز در این شهر متولد شد و تحت تعلیم پدر قرار گرفت. وی مورد توجه علما و رجال وقت و احترام مخصوص حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس بود.^۱ چنانکه وی اولین و برجسته‌ترین کسی بوده است که وقف نامه فرمانفرما را تصدیق کرده است.^۲ نواب چنانکه خود گزارش داده تحصیلات خود را در مدرسه حکیم شیراز نزد پدر و بستگان خود سپری کرده بود و علاوه بر عرفان و ادبیات و فقه و اصول، در علوم ریاضی هم دست داشته است^۳؛ چنانکه او را «خواجه نصیر زمان»^۴ هم گفته‌اند. از حاج علی اکبر نواب، یک وقف نامه منحصر به فرد به تاریخ ۱۷ ذی الحجه ۱۲۵۸ بر جای مانده است. امروز فقط زیراکس رونوشت مصدافی از آن در دست است.^۵ با تصدیق حاج شیخ ابوالقاسم شیخ الاسلام فارس (۱۲۱۱-۱۲۸۶ق)^۶ و «مهرهای بی‌یادداشت»^۷ محرران شرعیات آن محکمه، شکی باقی نمی‌ماند که سند در باسابقه‌ترین، معتبرترین و معروف‌ترین محکمه دارالعلم شیراز که به‌طور موروثی در اختیار خاندان شیخ الاسلامیه تمامی^۸ بوده تحریر و ثبت شده است.

این رونوشت به‌صورت طوماری به‌اندازه تقریبی ۲۱×۱۳۰ سم در ۱۴ جمادی الاخر ۱۳۵۰ روی دو بند کاغذ هم اندازه استنساخ شده و سربند سمت چپ از رویه توسط محمدباقر تمامی - میراث‌دار اسناد محکمه - و یکی از محرران، مهر شده است. در دیباچه کوتاه سند، با بهره‌مندی از صنعت ایهام از کتاب «بحارالانوار»، «شرایع الاسلام»، «مطول»، «وافی»، «مختصر»، «کافی»، «شافی» و «صافی» نام برده شده است. محرر شرعیات با ترسیم یک خط کشیده خمیده در متن علامت گذاشته و نام حاج علی اکبر نواب و توصیفات مربوط به او را بنا به رسم سندنویسی به خارج متن (/ جانب وحشی، در هامش) برده و در قالب یک ستون پنج سطری تنظیم کرده است. توصیفات و القابی متناسب با تحصیلات و شهرت نواب به کار رفته که جالب توجه است:

«... من جمع اصول الحکمة و اظهر و ارفع بنیان الهیة [۰۰۰] و [۰۰۰] - صح الذی کلّ عن جوابه سحجان...».

۱ علی اکبر نواب شیرازی، تذکره دلگشا، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی (شیراز: نوید شیراز، ۱۳۷۱)، ص ۱۷-۳۱.

۲ امید رضایی، «سلسله شیخ الاسلامیه تمامی شیراز پیشگام در ثبت نوشتجات شرعیه دوره قاجار»، وقف میراث جاویدان، ۱۳۸۵، ش ۵۴: ۷۹-۸۰.

۳ تذکره دلگشا، ص ۲۰-۲۱. همچنین نک: میرزا حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸)، ۱: ۹۳۸. درباره مدرسه حکیم نک: همان، ۲: ۱۲۲۳-۱۲۲۴. این در حالی است که در شهری همانند فسا مصادف با زمان حاج علی اکبر نواب، شیوه اداره مدرسه به گونه‌ای بوده که طلاب به ریاضی و حکمت گرایش نیابند. بنابراین شخصی همانند میرزا عبدالوهاب ابن میرزا محمدتقی که در غرة صفر ۱۲۴۳ وقفنامه‌اش را در حضور جمعی از علما فسا نوشته است آن بخش از طلبه علوم دینی را که به حکمت فلاسفه و نجوم و سایر علوم ریاضیه می‌پرداخته‌اند از شمار وظیفه بگیران مستثنی کرده است:

«... خمس مداخل و منافع بوستان رحمت آباد و منافع و مداخل یکزوج طفرکوره مختص فقرا و مساکین و طلبه علوم دینی و معارف یقینیه که اعتصام به عروة الوثقی ائمه هدی (ع) نمودند و به فقه و حدیث دانی تحصیل آن معروفند نه به معرفت حکمت فلاسفه و نجوم و سایر علوم ریاضیه» (آرشیو سازمان اوقاف پرونده شماره ۱۷۰ فارس).

۵ نک: امید رضایی، فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر اول: استان فارس (تهران: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف، ۱۳۸۲)، ص ۱۰۴. گفتنی است اخیراً آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه در تهران نیز نسخه‌ای از همین سند را دریافت داشته است که تحت شماره پرونده ۷۶۵ فارس از آن نگه‌داری می‌نماید.

۶ حسین فیسائی، ۲: ۹۲۳.

۷ نک: امید رضایی، «مهرهای بی‌یادداشت در قباله‌های دارالعلم شیراز»، وقف میراث جاویدان، ۱۳۸۶، ش ۶۰: ۲۶-۳۸.

۸ درباره این محکمه: نک: همان، صص ۷۷-۹۴.

نواب، طی این سند، فقط قطعه بستان نجم آباد واقع در محله قصرالدشت (/ چهار موضع حومه شیراز) را وقف کرده است. مساحت این بستان هجده هزار مترمربع است. اما چندان آباد و درآمدزا نیست.^۹ اما آنچه این سند را از سایر وقف نامه ها ممتاز می سازد، بحث هزینه کردن درآمد حاصل از آن است. چنانکه گفته شد تاریخ تحریر سند ۱۷ ذی الحجه ۱۲۵۸ ق می باشد. نواب در این سال تقریباً در نیمه راه نگارش مجموعه چند جلدی بحر اللثالی بوده است. اثری که تا واپسین سال های عمرش همچنان او را به خود مشغول داشته بود.^{۱۰} او درآمد حاصله را پنج سهم تعیین کرده که یک سهم آن را برای زحمات متولی و چهار سهم دیگر را برای امور نشر (/ اسباب لازمه بتحریر، استکتاب، تصحیح و مقابله) و هزینه چاپ در نظر گرفته است:

«.. خمس بصیغه حق التولیه متصرف شود چهار خمس بقیه را هر ساله صرف استکتاب و تحریر مجلدات از کتاب «بحر اللثالی» تألیفی سرکار واقف خیر مواقع معظم الیه و اسباب لازمه بتحریر و استکتاب از کاغذ و جلد و اجرت تحریر و مقابله و صحافی و سایر من ذلک نموده مجلدات «بحر اللثالی» را بعد از استکتاب با نسخه صحیح آن مقابله اولاً نموده که ترک و سهوالقلمی مطلقاً نداشته باشد و بعد از تصحیح و اتمام آنچه باتمام رسانیده وقف بر کافه مسلمین و مؤمنین نموده...».

اما وی امور چاپ و توزیع را محدود به شیراز نکرده است:

«... و چنانچه ممکن باشد نسخه صحیح آنرا در هر بلدی که ممکن باشد چاپ نموده و بهرکس دهند که مطالعه نموده باشند».

برخی از مجلدات بحر اللثالی در سالهای ۱۳۱۷ ق به صورت چاپ سنگی و در سال ۱۳۸۱ ق به صورت چاپ سربی در چند مطبعه و چاپخانه شیراز منتشر شد.^{۱۱} اما به سبب هزینه های بالای چاپ و خشکیدگی و کم ثمری چند اصله درخت انار، چند دهه است که این کار متوقف شده است و درآمد هر ساله آن فعلاً در یک حساب ذخیره می شود.^{۱۲}

به هر حال حاج علی اکبر نواب پس از سال ها خدمات فرهنگی و دیوانی، برای زندگی پس از مرگ به آخرین اثرش - بحر اللثالی - که درباره زندگی ائمه معصومین (ع) بوده، به عنوان دستاویز، چشم داشته است.

^۹ آدرس و مساحت باغ بر اساس گفتگوی تلفنی با آقای زارعیان، مسؤول بودجه موقوفات در اداره اوقاف و امور خیریه ناحیه چهار شیراز، به دست آمد. ایشان همچنین مال الاجاره سال جاری موقوفه را هفت میلیون ریال اعلام فرمودند. این در حالی است که دکتر رستگار فسایی با استناد به فارسنامه ناصری از عنوان «موقوفات» متعدد استفاده کرده اند. نک: تذکره دلگشا، ص ۲۵.

^{۱۰} همان، ص ۳۵ - ۳۶. ^{۱۱} همان، ص ۳۵.

^{۱۲} به نقل از گفتگوی تلفنی با آقای حسین نواب، متولی موقوفه.

هو الواقف علی السرائر

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

سطر ۱/ بعد الحمد والصلوة لمن هو اهله و مستحقه خلاصة مفاد این کتاب صواب و نقاوة مطاوی این خطاب مستطاب که ۲/ رقمزد خامه مشکین شمامه فصاحت ختامه بلاغت نصاب و مقدمه پرداز عنوان این شرح بلار تیب شرعیة ۳/ المبدء و المآب می گردد، ایضاح و اتضاح این مطلب و مدعا است که چون از قرار شرح مستندات شرعیة معتبره علیحدۀ سرکار ۴/ شریعت مدار حقایق و دقایق شعار فضائل و فواضل آثار بندگان افادت و افاضت پناهی دیباچه «بحار الأنوار» فراست ۵/ و آگاهی عنوان «صحیفه کامله» ارشاد و حکمت الهی، شیرازۀ قانون «شرایع الاسلام» و درایت نامتناهی آنکه «مطول» - ش ۶/ «وافی» و «مختصر» ش «کافی» تذکره معالجاتش «شافی» تحریر مکارم الاخلافتش «صافی» [من جمع اصول الحکمة و اظهر و ارفع بنیان الهیة و [۰۰۰] و [۰۰۰] - صح الذی کلّ عن جوابه سبحان [۰۰۰] افتخار الحاج و العمار نواب مستطاب الحاج علی اکبر دفع الله عنه المکاره و الشرر و امه من خوف يوم المحشر] تمامی و جملگی مایملک خود عقاراً منقولاً ۷/ کلاً طراً ملکی اختصاصی خود را علی وفق الشریعة المقدسة النبویة منتقل به فرزندان ارجمندان قره العینان خود هما ۸/ عالیجنابان، مقدس القابان شرافت و نجابت انتسابان، مبادی آدابان، سلالت الاطیاب، قدوتی الانجاب، میرزا ابوطالب و میرزا علی ۹/ بالمناصفه بشروط و قیود مشخصه نموده و تمامی و جملگی کل شش دانگه یکدرب بستان موسومه بیستان نجم آباد معینه معلومه واقعه در چهار ۱۰/ - موضع حومه شیراز با جمیع متعلقات و منضّمات و شرب تابعه مرتبه بر آن از مقسم خانی که در ماهی یکشبانه روز آب از مقسم مذکوره ۱۱/ بوده باشد و سایر مایتعلق بها که در محل وقوع مستغنی الحد و الوصف است بدون استثنایی از آن ملکی اربابی متصرف فیه خود را ۱۲/ مستثنی و موضوع داشته که بالفعل به ملکیت و حقیقت سرکار نواب معظم الیه مستقر و مستمر است، لهذا در محضر عدول ۱۳/ علمای اسلام و مجمع فحول فضلاء عظام کرام کثر الله امثالهم تقرباً الی الله تعالی طلباً لمرضاته وقف مؤبد ۱۴/ صحیح شرعی و حبس مخلد صریح ملی مرعی فرمودند سرکار بندگان شریعت بنیان نواب مستطاب معظم الیه در کمال شرف ۱۵/ و اختیار تمامی و جملگی و همگی کل شش دانگه یکدرب بستان موسومه بنجم آباد معینه معلومه واقعه در چهار موضع حومه شیراز ۱۶/ با جمیع متعلقات و منضّمات و کافه ملحقات مشتمله بر اراضی تحت الاشجار و خالیة عن الاشجار و خیابان ۱۷/ و بنه چاه و جدران و حیطان و ممر و مدخل و درب و درگاه و جوی و جداول و مجاری و مشارب از مقسم خانی ۱۸/ حسب الاستمرار بنحو مفصله فوق حسب الاستمرار و سایر ما یعد من التوابع سمی أم لم یسم و رقم أم لم یرقم کائناً ما کان ۱۹/ بدون استثناء چیزی از آن و تولیت عین موقوفه را اولاً مفوض فرمودند بنفس نفیس خود مادام که در قید حیات مستعار بوده باشد ۲۰/ و بعد از خود به عالیجناب فضائل مآب سلالة الاشراف و الانجاب، میرزا ابوطالب و ولد اکبر اعزّار جمند سعادت مند خود ۲۱/ و بعد با اکبر اولاد ذکور ایشان و اکبر اولاد ذکور از اکبر اولاد ذکور ایشان و هكذا ماتعاقبوا و تناسلوا نسلأ بعد ۲۲/ نسل و عقباً عقب عقب بشرط تقدم بطن اعلى بر بطن اسفل و بر فرض انقراض اولاد ذکور عالیجناب میرزا ابوطالب ۲۳/ و اولاد ذکور از اولاد ذکور میرزا ابوطالب بالکلیه تولیت آن مخصوص است به عالیجناب آقا میرزا علی ولد دیگر سرکار ۲۴/ واقف معظم الیه و بعد از آن با اکبر اولاد ذکور آقا میرزا علی ماضی الوصف و اکبر اولاد ذکور از اکبر اولاد ذکور آن ۲۵/ و هكذا ماتعاقبوا و تناسلوا نسلأ بعد نسل و بطنأ بعد بطن [۰۰۰] تقدم بطن اعلى بر اسفل و اکبریت و چنانچه ۲۶/ خدای نخواستہ بالکلیه اولاد ذکور از نسل و سلسله ایشان بالکلیه منقرض شود تولیت عین موقوفه ۲۷/ مخصوص است با اصلح از صلحای بلده شیراز که در شیراز متوطن باشند الی أن یرث الله الارض و من علیها ۲۸/ و هو خیر الوارثین و هر ساله متولی در هر طبقه از طبقات اولاً سعی در آبادانی و خدمات عین موقوفه که ۲۹/ موجب بقاء عین و حصول منفعت می باشد کما ینبغی نموده

و منافع و مداخلی که از عین موقوفه حاصل شود /۳۰/ بعد از وضع مطلق اخراجات و خدمات ملکی و ملکی و حقوق سلطانی بقیه را خمس بصیغه حق التولیه متصرف شود. چهار /۳۱/ خمس بقیه را هر ساله صرف استکتاب و تحریر مجلدات از کتاب «بحر اللثالی» تألیفی سرکار واقف خیر موافق /۳۲/ معظم الیه و اسباب لازمه بتحریر و استکتاب از کاغذ و جلد و اجرت تحریر و مقابله و صحافی و سایر /۳۳/ من ذلک نموده مجلدات «بحر اللثالی» را بعد از استکتاب با نسخه صحیح آن مقابله اولاً نموده که ترک و سهو /۳۴/ - القلمی مطلقاً نداشته باشد و بعد از تصحیح و اتمام آنچه باتمام رسانیده وقف بر کافه مسلمین و مؤمنین /۳۵/ نموده و تولیت آنها را با خود و بعد از خود با سایر متولیان بطون ثانیه به نحو فوق مفوض و مبذول داشته /۳۶/ و هر کس از مسلمین و مؤمنین که خواهند مجلدات را بعد از مقابله بایشان داده که مطالعه و از آن /۳۷/ منتفع شوند و چنانچه ممکن باشد نسخه صحیح آن را در هر بلدی که ممکن باشد چاپ نموده و به هر کس دهند که مطالعه /۳۸/ نموده باشند و عین موقوفه را نخرند و نفروشدند و مصالحه و مبادله و مرهون ننمایند و در اجاره و مصالحه /۳۹/ و انتقال منافع بهر کس و بهر مدت منوط بصلاح و صوابدید متولیان است که بنحوی که صلاح دانند /۴۰/ حصول منفعت از عین موقوفه نمایند و بمصارف مقررۀ مذکوره رسانند و سرکار واقف خیر موافق معظم الیه /۴۱/ تخلییه ید مالکانه از عین موقوفه مفصله نموده و بتصرف وقف داده و من بعد الیوم بعنوان تولیت متصرف میباشد /۴۲/ و ید ایشان ید تولیت است و متلفظ بصیغه وقف شرعی و بای کما قرره الشارع الصادع گردیده (فمن بدله /۴۳/ بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ و اللہ سمیع علیم) و کان الوقوع فی السابغ عشر شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۲۵۸ مطابق بارس نیل ترکیه.

«محل خاتم شریف مرحمت و غفران پناه جنت مکان حاج علی اکبر نواب طیب اللہ مثنوا»

[تکمله در حاشیه سمت راست متن، عمود بر سطور:]

خلاصه ما فی الحاشیه آنکه بستان مذکور مغروس بکروم و سایر اشجار متنوعه می باشد و متصل است از شمال متصل بستان نجم آباد حاجی سهراب خانی که حال متعلق بعالیجناب آقا میرزا علی مزبور متن جنوب متصل بشارع عام و از مشرق متصله بستان حسین آباد اربابی سرکار واقف و از سمت مغرب بستان مرشد آباد سفلا میباشد که وقف بنحو متن فرموده اند و بتصرف وقف داده اند فی التاریخ المتن. «محل مهر مرحمت پناه نواب».

[سجلات صدر و حاشیه راست متن:]

۱. حسبی اللہ .

بسم اللہ و باللہ و الحمد لله و الصلوة و السلام علی رسولہ و آلہ و عترتہ المعصومین امناء اللہ و بعد قد صدر و الاعتراف عن الواقف الموفق المعظم المفخم لجمیع ما رقم و رشم ۱۳ فی متن ذلک الكتاب من المبدء الی المآب لدی کتبه الداعی صحیح است. باید ثبت شود. «محل مهر حضرت مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه خلد آشیان المستغرق فی بحار رحمة اللہ الملك المنان اسکنه اللہ فی بحابیح الجنان المرحوم المغفور حاج شیخ ابوالقاسم شیخ الاسلام سابق فارس طیب اللہ ثراه و جعل الجنة مثنوا».

۲. وقعت الواقعه لیس لوقعتها کاذبه حسبما زبر متناً بمحضری حرره الداعی اقل السادات محمد شفیع.

«محل مهر»

۳. اعترف الواقف المعظم الیه بما رقم فیہ متناً و هامشاً لدی حرره الداعی. «محل مهر».

۴. شهد بما فیہ عالیجناب خیر الحاج حاجی محمد قاسم شیرازی. «محل مهر مشارالیه».

۵. شهد بما فیہ عالیجناب خیر الحاج حاجی صدرالدین بورنجانی. «محل مهر».

^{۱۳} گاهی «رقم و شرح» نیز می نوشته اند. بنابراین «رشم» به معنی نوشتن درست است.

۶. مهر: «محمد علی ابن محمد مهدی التمامی».^{۱۴}
 ۷. مهر: «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده عبد الجواد».

۸. مهر: «الواثق بالله الغنی علینقی الحسینی».

۱۰. شهد بما فيه عالی شأن خلاصة الاعیان ملا آقابابای تاجر شیرازی. «محل مهر مشارالیه».

۱۱. شهد بما فيه عالیجناب مقدس القاب شرافت انتساب میرزا محمد رضای تاجر شیرازی. «محل مهر مشارالیه».

۱۲. شهد بما فيه عالیجناب مبادی آداب ملا محمد روضه خوان خراسانی. «محل مهر مشارالیه».

۱۳. در محکمه اسلامیة مقابله شد. [مهر: «...»].

۱۴. ثبت محکمه محکمه علیه عالیة اسلامیة شد. [مهر: «محمد بن عبدالله الحسینی»].

[حاشیه راست متن:]

۱. بسم الله الرحمن الرحيم.

ذامع اصله المعتبر المرسوم برشم جدی الامجد رفع مقامه مطابق و موافق و حرر فی ۱۴ شهر جمادی الاخری ۱۳۵۰ هجریه. صح. [مهر: «...»].

۲. بسمه تعالی.

این سواد مطابق با اصل است متناً و سجلاً و هامشاً اصلاح کلمه «فحول» در سطر سیزدهم و اصلاح کلمه «خواهند» در سطر سی و ششم صحیح است. الا حقر... [مهر: «...»].

۳. ص ۴۲۶، نمره ۳۴۰۹ ثبت و ضبط دفتر شرعیات شد. [مهر: «...»].

Nameh-ye Baharestan: vols. 8-9, 2007-2008, ser. nos. 13-14

The Bequest of Nawwāb Shirazī (1187 - 1263/1774 - 1847) for Publishing

Omid REZAE'I

(Waqf and Charity Organization)

A bequest document by the prolific poet, author, and scholar of the Qājār period, 'Ali Akbar Modarres, also known as Hāj Akbar Nawwāb, was prepared on the 17th of ZH, 1258 (January 19, 1843) of which we only have an official copy. The copy is dated, 14th of JA, 1350 (October 27, 1931), and is written on two pieces of paper in the form of a scroll by Moḥammad Bāqer Tamāmī, and official of one of Shiraz's tribunals, of which it bears the seal. Nawwāb bequeaths the income from a property of some 18,000 square meters in the environs of Shiraz to be spent on the publication of a multi-volume work of his, entitled: the Baḥr al-La'ālī. He assigns one fifth of the property's income to its caretaker, and the remaining four fifth to the costs of publication including copying, correcting, and printing.

^{۱۴} مهر شیخ محمد علی تمامی از محرران محکمه شیخ الاسلامیه (رضایی، «مهرهای بی یادداشت...»، ص ۳۱).

